

خوندم…» آن جمله کوتاه، گویی بازتابی بود از روحی که زندگی را جدی می‌گرفت، کتاب را پناه می‌دانست و تئاتر را آیین‌ای برای فهم انسان. اکنون پدر و مادرش نه پاسخی دارند و نه تسکینی، فقط اتفاقی خالی، نامی حک‌شده در سوگ و جهانی مانده یا داغی دیگر؛ یک امدادگر جوان که تنها هنگام کمک به زخمی‌ها، به‌دست اسرائیل کشته شد.

حمید رنجبری؛ او در حین نجات جان یک کودک ۵ ساله کشته شد.

حمید رنجبری، مردی ۴۰ ساله بود، او سه‌روز پس از حمله هوایی اسرائیل به زندان اوین، درحالی‌که سعی داشت پسر پنج ساله، مهرداد خیری را از زیر آوار نجات دهد، کشته شد. دوستان و خانواده حمید درباره او می‌گویند که بیش از هر ویژگی‌ای که داشت، مهربان، دلسوز و همیشه مشتاق کمک به دیگران بود. امدادگران جسد او را درحالی‌که مهرداد را در آغوش گرفته بود، پیدا کردند. آنها گفتند که او پسر را اتقدر محکم در آغوش گرفته بود که دستان‌شان در هم گره خورده بود و جدا کردن آنها دشوار بود. حمید در واحد «آزادی زندان اوین» کار می‌کرد. او حقوق خوانده بود و همین چندوقت پیش بود که در آزمون وکالت قبول شده بود و برای شروع کار جدیدش هیجان زیادی داشت. نسترن ترکاشوند، همسر برادر حمید، از غمی که مادر و خواهر و برادرانش این روزها تجربه می‌کنند، می‌گوید و درباره حمید او را اینطور توصیف می‌کند: «او مرد به‌سیار مهربانی بود و همیشه می‌خواست به دیگران کمک کند و برای حل مشکلات مردم از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کرد. او داوطلبانه وارد آوار شد تا آن کودک، مهرداد، پسر همکارش را نجات دهد.»

❖ رفتاری مرسوم در کشورهای جنگ‌زده

فعالیت این نوع وب‌سایت‌ها پیش از این در کشورهایی مانند اوکراین، فلسطین، بوسنی و… هم سابقه داشته است. درواقع گروهی مردمی با هدف یادبود و زنده نگه‌داشتن روایت و نام هم‌وطن‌ها و عزیزانشان یک بستر دیجیتال از کشته‌شده‌ها در جنگ تعریف می‌کنند. روایت‌هایی که به زندگی نظامی‌ها و غیرنظامی‌ها از جنبه‌های انسانی مسئله توجه می‌کنند. برای مثال در سایتی درباره کشته‌شده‌های اوکراینی - به‌رسم یادبود دیجیتال - می‌توانند از عزیزان کشته‌شده‌شان - آنگونه که می‌خواهند - بنویسند. در نمونه‌ای دیگر از فلسطین، یا نمونه‌ای از بوسنی هم یک وب‌سایت با چهره و روایت شخصی درباره کشته‌شده‌های جنگی، این روئه را بازگو می‌کند. یک متخصص روان‌شناسی دراین‌باره می‌گوید که این کار می‌تواند در راستای بهبود فشار روانی افراد داغ‌دیده باشد. درواقع هر بستری برای برون‌ریزی عاطفی پس از یک رخداد بزرگ ملی (مثل جنگ) می‌تواند حتی برای آن دسته‌از شهروندانی که به‌طور مستقیم از جنگ آسیب ندیدند هم تسکین‌دهنده باشد.

❖ مرگ انسان‌ها در خدمت گفتمان‌ها

فرشته طوسی، دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه علامه، درباره سوژه کشته‌شده در جنگ و چرایی تقلیل انسان‌ها به عدد، به «هم‌میهن» از روایت‌های میانه جنگ و این‌که چرا مرگ انسان‌ها در خدمت گفتمان‌ها قرار می‌گیرد، می‌گوید. او معتقد است همه ما می‌دانیم که جنگ با آوارگی، تبعید، درماندگی و… آمیخته شده است. انگار مهم‌ترین دال از جنگ‌ها، مرگ انسان‌هاست. برای همین اولین مواجهه درباره جنگ‌ها، تعداد افرادی است که در آن اتفاق کشته شدند: «البته این مهم است که باید از انسانیت‌زدایی شدن جنگ‌ها پرهیز کرد و کشته‌شده‌ها را به عدد تبدیل نکرد و چهره، یاد و نام آنها را یادآوری کرد. خوب است که تکثر چهره‌های کشته‌شده در جنگ را به‌شکل داخلی و جهانی بازنمایی کنیم. یعنی نشان دهیم که اتفاقاً شهروندانی که لزوماً شبیه هم زندگی نمی‌کنند و در یک سید سبک زندگی تعریف نمی‌شوند هم در این حمله، کشته شدند. اما می‌خواهم یک گام فراتر به مسئله نگاه کنم؛ آیا فقط روایت کردن از کشته‌شده‌ها کافی است؟ فارغ از این‌که مهم است به بیوگرافی، نام و چهره افراد توجه کنیم. مسئله مهم، قبل و بعد از ماجراست. اینکه چه شد که ناچاریم و ناگزیریم که این همه برای بازنمایی چهره کشته‌شده‌های یک جنگ یا تجاوز به کشور تلاش کنیم؟ چه اتفاقی در این جهان رخ می‌دهد که به‌سادگی، بازنمایی درستی از کشته‌شدگان یک جنگ هم صورت نمی‌گیرد؟ و ما به مرحله‌ای می‌رسیم که برای رساندن یک صدا که یک حق بدیهی است، گام برداریم. یعنی همین سطح بیوگرافی ساده و انسانی کشته‌شده‌ها! منظورم از صدا همین روایت است که یک ناجی خارجی به‌پهانه آزادی دارد شهروندان این کشور را می‌کشد.»

طوسی درباره همه‌گیری این مسئله در خاورمیانه هم می‌گوید: به‌نظر او نکته مهم این است که ما برای پیداکردن پاسخ چگونگی مقاومت، جلوی این تبدیل‌شدن مرگ انسان‌ها به عدد‌ها یا بخشی از گفتمان‌ها، باید به چند پرسش فکر کنیم. اینکه این رویه تا کجا می‌تواند ادامه پیدا کند و غایت این منطقه کجاست؟ و آیا نقطه پایانی برای آن وجود دارد یا نه؟ و

این نقطه پایان برای ما کجاست و برای کسانی که در این جغرافیا زندگی نمی‌کنند، کجا تعریف می‌شود؟ فرشته طوسی در ادامه درباره ماهیت انسان‌زدایی‌شدن در گفتمان‌ها می‌گوید. به نظر او، درباره حمله اخیر اسرائیل به کشور یا نوعی انسانیت‌زدایی از کل جامعه مواجه بودیم. اتفاقاً کسانی که ادعای نجات ایران را دارند، با کشتن شهروندان ایرانی می‌خواهند این کار را انجام دهند. به همین دلیل مهم است وقتی درباره روایت صحبت می‌کنیم، فقط به چند عکس، نام و بیوگرافی قناعت نکنیم. به این توجه کنیم که چطور در یک روند تاریخی به این نقطه رسیده است؟ سپس با نگاه به آینده جامعه، به این پاسخ دهیم که اکنون چه‌چیزی را از سر گذرانده؟ و چه چیزی را از دست داده و حالا کجاست؟ چون هرکدام از این افرادی که کشته شدند، در میدانی متفاوت (دانشگاه، بازار، صنف و…) سوژگی داشتند. به این معنا تاثیر هرکدام از این مرگ‌ها می‌تواند نسبت به کسی که از نزدیک، فردی را در این جنگ از دست نداده، متفاوت باشد.

طوسی در پاسخ به این پرسش که آیا واژه «شهید» در نام‌گذاری کشته‌شده‌های جنگی هم نوعی مصادره‌ی سوژه است، می‌گوید: «درباره‌ی واژه‌ی «شهید» باید کمی فراتر به مسئله نگاه کنیم. یعنی فارغ از تعریف‌های مذهبی از آن، این کلمه به‌معنی سوژه‌ای است که به جهت هدف مقدس، انسانی و آگاهی به استقبال آن مسئله‌ای می‌رود که می‌داند برایش عواقبی دارد. درواقع شهید خود را به‌نفع «دیگری» کنار می‌زند؛ آگاهانه انتخاب می‌کند و برای این مسئله اراده می‌ورزد. درباره‌ی نام‌گذاری شهید روی کسانی که در حمله اخیر اسرائیل به ایران کشته‌شدند هم باید این پرسش را داشت که آیا آن افراد می‌دانستند در چه میدانی گام گذاشته‌اند؟ برای این کشته‌شدن، اراده‌ای ورزیده‌اند؟ اگر این‌طور باشد، می‌توان این افراد را شهید نامید.»

این دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه علامه در ادامه می‌گوید، هر ایدئولوژی و سازوکار ایدئولوژیک، سوژه خودش را می‌سازد. نامی که به سوژه‌ها داده می‌شود هم ممکن است متفاوت باشد. اما درنهایت باید دید چه گفتمانی وضع موجود را بازتولید می‌کند و چه گفتمان‌های مخالف آن، هردو به‌دنبال تثبیت «شهید» هستند. درنهایت این مفهوم را به «قربانی» مبدل کرده‌اند. اپوزیسیون خارج از کشور هم برای سازوکار ایدئولوژیک خود نیاز به شهید دارد تا توضیح دهد، کسی که در اعتراضی در ایران کشته می‌شود، به‌نوعی شهید است. این‌جا یک جدال بر سر گفتمان را شاهدیم و به این معنا هیچ‌کس به آن سوژه‌ای که در این میان گرفتار شده، توجهی نمی‌کند. چه شده که کشته شده؟ بعد از او، در جامعه اطرافش چه اتفاقی می‌افتد؟ آن سوژه، چه کسی بود؟ چه تعریفی از خودش داشته یا نه؟ اما در عمل می‌بینیم، اهمیت این سوژه این است که آیا او کارکردی در منطق فعلی هر گروه دارد یا نه؟ «این رفتاری است که هم از سوی کسانی که در داخل حاکم‌اند و هم آنهایی که در خارج از کشور می‌خواهند وضع موجود را تغییر دهند، بازتولید می‌شود. اما گویی منطق کلی این گفتمان‌ها این است که سوژه‌ای که جانش را از دست می‌دهد نه‌تنها جانش را از دست داده که اراده خودش و نحوه چگونگی نام‌بردن از مرگ‌اش را هم از دست داده. این مسئله به‌طور مداوم در رخداد‌های مختلف تکرار می‌شود و ما فقط زمانی می‌توانیم در این منطق شکافی بیاندازیم که این‌گفتمان را از هر دوطرف نقد کنیم. درنهایت مهم است که مردم از جانب خودشان، روایت‌هایشان را بسازند و صحبت کنند. اگر جانی هم نداشته باشند، بتوانند گفتار خودشان را بسازند. اما این مسئله به همین راحتی نیست و گفتمان‌ها ساخته می‌شوند. همه این گفتمان‌ها به‌نوعی به‌شکلی واحد در تلاش‌اند که یک کار را بکنند. آن‌ها به‌رغم تعارض‌های ظاهری در عمق رفتار، همان ایده را بازتولید می‌کنند.»

❖ قصه‌ها را سرکوب نکنیم

علی شاکر، استاد ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی، درباره لزوم روایت‌پردازی انسانی نسبت به کشته‌شده‌های جنگی در گفت‌وگو با «هم‌میهن» می‌گوید، پس از جنگ ۱۲‌روزه ایران با اسرائیل، هزار و ۶۲نفر از ایرانی‌ها کشته شدند اما موضوع این است که ازمنظر روزنامه‌نگار صلح و اخلاق، نباید این کشته‌شدگان جنگ را فقط در قالب عدد و رقم ارائه کنیم. هریک از این شهدای جنگ ۱۲‌روزه روایتی دارند و ترسیم روایت این افراد، یعنی ورود به دنیایی بی‌انتها از روایت‌های دیگر. اینجااست که اهمیت روایت مشخص می‌شود. ما بسیاری از پدیده‌های جهان را با واسطه فهم می‌کنیم. به‌قول نیکلاس لومان، جامعه‌شناس مشهور آلمانی که آن را «مشاهده مرتبه دوم» می‌نامد. به‌گفته لومان، در اواخر قرن بیستم تقریباً تمام نظام‌های اجتماعی (از اقتصاد و سیاست گرفته تا هنر و دانشگاه) به مشاهده مرتبه دوم روی آورده‌اند. «به‌نظر علی شاکر این مسئله یعنی ما اطلاعات خود را درباره واقعیت‌ها (مانند گرمایش جهانی، روندهای اقتصادی یا برندگان اسکار،

نه از طریق تجربه مستقیم، بلکه با مشاهده آنچه دیگران درباره آن می‌گویند به‌دست می‌آوریم. در این چارچوب، «دانستن اینکه جهان چگونه دیده می‌شود» مهم‌تر از «دانستن اینکه جهان چگونه است»، شده است. اینجااست که روایت اهمیت خودش را بیشتر از همیشه نشان می‌دهد. «دستی‌های روزمره و طولانی‌مدت ما ناشی از آشنایی با «روایت زندگی» دیگری است. به آن میزانی که او قصه‌هایی از خودش می‌گوید، ما را به خودش نزدیک‌تر می‌کند. در دوران تسلط شبکه‌های اجتماعی، «چگونه دیده‌شدن» مهم‌تر از «واقعاً چگونه‌بودن» است. می‌توان تا همیشه به این رویکرد نقد داشت ولی واقعیت روی زمین همین است. شاید بتوان تاریخ را عرصه نزاع بین روایت‌ها دید. اهالی قدرت از هر ابزاری برای جا انداختن روایت‌های خود استفاده می‌کنند ولی درعمل، مخاطبان نیز منفعل نیستند و این روایت‌ها را به‌شکل‌های مختلفی خوانش می‌کنند البته به‌شرطی که در دام «اتاق‌های پژواک» نیفتند.

او در ادامه با تأکید به این مسئله که شاید بتوانیم بگوییم، روایت مستقل درعمل وجود ندارد و درواقع ضدروایت داریم، این ایده را اینگونه توضیح می‌دهد: «روایتی شکل می‌گیرد و مقاومتی همزمان با آن شروع می‌شود علیه آن قصه. اینجااست که باید تأکید کنم، مطرح‌شدن اینکه آن هزار و ۶۲ نفر عدد نیستند، بسیار نکته مهمی است. اما این را هم باید بگوییم که این هزار و ۶۲ نفر و جهان روایی، الزاماً با توقعات ما ممکن است هماهنگ نباشند. اتفاقاً این نقطه‌قوت روایت‌هاست، اینکه می‌توانند ضد خود را تولید کنند و از دل این روند به‌ظاهر متعارض، روایتی جدید و کم‌وبیش متعادل و متوازن طی زمان شکل می‌گیرد. روایتی که در آن آدم‌ها حق‌شان نیست کشته شوند و جنگ‌افروزان حتماً محکوم می‌شوند ولی اشتباه مهلک آنجاست که بخواهیم جهان‌هایی روایی را در قفس تنگ‌نظری‌ها و منافع کوتاه‌مدت خویش محصور کنیم.»

او در تأکید بر روایت‌های انسانی از کشته‌شده‌های حمله اسرائیل به ایران می‌گوید، بهترین راه‌حل این است که نهادهای واسطه و خود خانواده‌ها به‌تدریج قصه‌های خود را تعریف کنند. این روزها با ابزارهای هوشمندی که در اختیار داریم، تولید محتوا دیگر پیچیدگی‌ها و سختی‌های سابق را ندارد. نهادهای رسمی هم خوب است به‌جای تمرکز بر روایت‌های محدود، ساده و غیرانسانی (به‌معنای فراانسانی و معنوی) از آدم‌ها نشان دهند که آنها چه پدر، مادر، فرزند، همسایه و خویشاوند خوبی بودند. ترسیم این «خوب بودن» بسیار پیچیده است و نیازمند هنر، خلاقیت، هوش و تجربه کسی است که بلد باشد قصه بگوید. به‌نظم باید بگذاریم آدم‌ها قصه‌شان را تعریف کنند. قصه‌ها را سرکوب نکنیم. خاکستری‌بودن روایت‌ها جذاب است. قصه کسی که در همه‌جا خوب برخورد می‌کند، عصبانی نمی‌شود، فحش نمی‌دهد و فقط عبادت می‌کند، جذاب نیست. همان‌طور که قصه یک آدم بد که مدار کارهای زشت انجام می‌دهد، منزجرکننده است.

❖ روایت انسانی؛ شکنده انسانیت‌زدایی در جنگ‌ها

روشن‌نوروزی یک متخصص ارتباطات است که سال‌ها در حوزه جمع‌آوری و تنظیم آرشیو، فعالیت حرفه‌ای دارد. او روایت‌های متنوع درباره‌ی جنگ را یک امکان برای بازنمایی واقعی حادثه‌ها می‌داند و در گفت‌وگو با «هم‌میهن» می‌گوید: «یکی از خلاهای رایج روایت رسانه‌ای جنگ‌ها این است که کشته‌شدگان به اعداد، نمادها یا برچسب‌هایی تبدیل می‌شوند که بیشتر به کار تقویت روایت‌های رسمی می‌آیند تا فهمیدن تجربه انسانی جنگ و این‌چرخه در ادبیات رسمی رسانه هم ادامه پیدا می‌کند. بیان روایت‌های انسانی، این چرخه را می‌شکند. وقتی هویت فردی قربانی - چه از خلال تصویر و نام، چه از خلال خاطره خانواده - در کانون روایت قرار می‌گیرد، امکان شکل‌گیری همدلی جمعی افزایش می‌یابد و رسانه‌ها از زبان سرد آمار به زبان تجربه و زیست‌روزمره منتقل می‌شوند. این تغییر زبان نه‌فقط یک انتخاب اخلاقی، بلکه ابزاری مؤثر برای ارتقای کیفیت اطلاع‌رسانی و بازنمایی واقعیت جنگ در عرصه عمومی است. از منظر راهبرد ارتباطی، سایت‌هایی که زندگی کشته‌شدگان را روایت می‌کنند، کارکردی دوگانه دارند؛ ازیک‌سو سرمایه نمادین می‌سازند؛ یعنی به‌واسطه گزارشگران حرفه‌ای و مستقل، به هر روایت وزن و اعتبار اجتماعی می‌دهند و ازسوی‌دیگر، بستر مناسبی برای بازتولید رسانه‌ای فراهم می‌کنند. رسانه‌ها زمانی بیشترین توجه را نشان می‌دهند که روایت‌ها قابلیت بازگویی و بازانتشار داشته باشند؛ دقیق، مستند و درعینحال شخصی. اینجااست که آرشیوهای انسانی به‌مثابه منبع روایت عمل می‌کنند و می‌توانند چارچوب خبری را از سطح تقابل‌های سیاسی به سطح تجربه‌های انسانی جابه‌جا کنند. چنین تغییر رویکردی ظرفیت آن دارد که هم در داخل و هم در رسانه‌های بین‌المللی، حساسیت تازه‌ای نسبت به پیامدهای انسانی جنگ ایجاد کند.»

خبرسازان



دستگیری عامل تیراندازی به همیار محیط‌بان

ماموران یگان حفاظت محیط‌زیست استان فارس، با همکاری نیروی انتظامی موفق شدند در عملیاتی ضربتی، عوامل شلیک به سوی مهدی بذرافشان همیار محیط‌بان را ظرف ۷۲ ساعت گذشته شناسایی و دستگیر کنند. به گزارش ایلنا، نصرت‌الله دهقانی، فرمانده یگان حفاظت محیط‌زیست فارس اعلام کرد که این موفقیت حاصل برنامه‌ریزی دقیق و استفاده به‌موقع از منابع مطلع در طول ۷۲ ساعت گذشته بود: «ماموران یگان حفاظت محیط‌زیست استان با اخذ دستور قضایی لازم و با همکاری نیروهای کلانتری ارژن، عملیات هدفمندی را برای شناسایی و دستگیری متخلفان اجرا کردند.» براساس این گزارش، در جریان این عملیات، از یکی از متهمان یک قبضه سلاح ساچمه‌زنی دولول غیرمجاز کشف و ضبط شد و افراد دستگیرشده برای سیر مراحل قانونی، به مراجع قضایی تحویل داده شدند.



۷ کشته در انفجار گاز

رئیس اورژانس پیش‌بیمارستانی دانشگاه علوم پزشکی اهواز، از جان‌باختن هفت نفر و مصدومیت سه‌نفر دیگر به اثر حادثه انفجار گاز در یک مجتمع مسکونی در منطقه پردیس اهواز خبر داد. به گزارش خبرآنلاین، مه‌ران احمدی بلولکی اعلام کرد: «در ساعت پنج صبح روز چهارشنبه، انفجار شدیدی در یک ساختمان مسکونی واقع در خیابان گلشاد ۲ منطقه پردیس رخ داد که موجب تخریب کامل ساختمان و خسارت گسترده به واحدهای مجاور شد.» به گفته او، بلافاصله پس از حادثه، شش تیم امدادی از اورژانس و آتش‌نشانی به محل اعزام شدند و عملیات ایمن‌سازی، آواربرداری و انتقال مصدومان به مراکز درمانی را آغاز کردند: «در این حادثه هفت نفر؛ شامل پنج مرد و دوزن جان خود را از دست دادند. همچنین سه نفر دیگر شامل دوزن ۱۵ و ۴۰ ساله‌وی‌کرد، مصدوم شدند که وضعیت جسمانی آن‌ها در حال بررسی است.»



اعلام موضع درباره کشت خشخاش

سخنگوی سازمان غذا و دارو اعلام کرد کشت قانونی خشخاش در کشور فقط برای تولید داروهای حیاتی و مشتقات دارویی انجام می‌شود و هدف آن، تأمین پایدار داروهای مورد نیاز بیماران صعب‌العلاج، سرطانی و اتاق عمل است. به گزارش ایلنا، محمدهاشمی درباره کشت خشخاش در کشور برای مصارف دارویی توضیح داد و گفت: «باتوجه به درخواست سازمان غذا و دارو برای کشت شقایق سومینفرم اولیفا در کشور و موافقت رئیس جمهور، برخی از تبعات این موضوع ابراز نگرانی کرده‌اند. سازمان غذا و دارو تأکید می‌کند که کشت قانونی این نوع شقایق، تنها برای تولید داروهای حیاتی و مشتقات دارویی انجام می‌شود و هدف آن تأمین پایدار داروهای مورد نیاز بیماران صعب‌العلاج، سرطانی و اتاق عمل است. این فرآیند تحت نظارت و الزامات امنیتی و قانونی، مطابق پروتکل‌های بین‌المللی INCB انجام خواهد شد.» طبق اعلام سخنگوی سازمان غذا و دارو، باتوجه به گونه ووارینه این شقایق، چون مثل روش‌های مرسوم قابلیت تیغ زدن ندارد، اصولاً امکان سوءاستفاده عمومی یا مصرف غیرقانونی برای این گیاه وجودندارد.